

یادداشتی از سام صالحی بختیاری؛

تضاد اخلاق و رسانه

امروزه میتوان رسانه ها را یکی از اصلی‌ترین عوامل ترویج بی اخلاقی دانست ، البته این مشکل در بطن جوامع شکل گرفته و رسانه ها فقط آن را بازنمایی یا گسترده تر می‌کنن ، به هر حال عده ای معتقدند باید رسانه های اخلاق گرا و اخلاق مدار تولید کرد ، اما آیا چنین چیزی ممکن است ؟ صادقانه بگویم نه ، اولین دلیل اینکه رسانه ها آئینه ای از جوامع هستند که البته این بازنمایی گاهی هم با اغراق همراه شده اما برای مبارزه با بی اخلاقی باید جامعه را درمان کرد نه رسانه را محدود

به گزارش خبر، سام صالحی بختیاری کارشناس و فعال رسانه در یادداشتی ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر با موضوع "تضاد اخلاق و رسانه" آورده است:

امروزه میتوان رسانه ها را یکی از اصلی‌ترین عوامل ترویج بی اخلاقی دانست ، البته این مشکل در بطن جوامع شکل گرفته و رسانه ها فقط آن را بازنمایی یا گسترده تر می‌کنن ، به هر حال عده ای معتقدند باید رسانه های اخلاق گرا و اخلاق مدار تولید کرد ، اما آیا چنین چیزی ممکن است ؟ صادقانه بگویم نه ، اولین دلیل اینکه رسانه ها آئینه ای از جوامع هستند که البته این بازنمایی گاهی هم با اغراق همراه شده اما برای مبارزه با بی اخلاقی باید جامعه را درمان کرد نه رسانه را محدود

می شود رسانه ها را به سمت اخلاق حرکت داده و محتوای مستحجن و زننده آن را حذف کرد ، میتوانیم با فرهنگ سازی فضای رسانه ها را پاکیزه تر کنیم ، اما هرگز نمی شود که یک رسانه ۱۰۰ درصد اخلاق گرا داشته باشیم زیرا که ماهیت و دلیل وجود رسانه ها بر پایه بی اخلاقی استوار است، شاید شما دلیل وجود رسانه ها را سرگرمی ، انتقال اخبار ، فرهنگ سازی، ارتباط سهل الوصول و ...

بدانید اما هیچ گربه ای محض رضای خدا موش نمی گیرد و تنها دلیل وجود رسانه ها انحطاط مخاطب و القای تفکرات صاحبان رسانه یا اقشار خاص است ، رسانه ها از درون جوامع کاپیتالیست ظهور کردند، جوامعی با توضیح ناعادلانه قدرت و ثروت ، حکومت قشری خاص (سرمایه دار) بر تمامی امور، سیستم هایی که از عدم تفکر و سطحی نگر شدن مردم سود می‌برند و در چنین نظامی مصلحت بر سرگرم کردن مردم است تا نفهمند چه بلایی سرشان می آید و فقط تفکرات قشر حاکم یا دارای قدرت به آن ها القا شود، صرفا یک نیروی کار فاقد تفکر و تعقل و حالا در همه جوامع شاهد این موضوع هستیم که هر رسانه در هر جایی از دنیا صرفا هدفی جز نشان دادن دیدگاه خود و القای تفکراتش به مخاطب ندارد.

در یک جامعه کاپیتالیست مصلحت بر این است که عوام کمتر بدانند یا اصلا ندانند زیرا که تفکر و اندیشه افراد بزرگترین دشمن این نظام ها است و ابزار کنترل و جلوگیری از اندیشه چیزی نیست جز رسانه، درست همانطور که آلدوس هاکسلی در کتاب « دنیای قشنگ نو » بیان کرده و رسانه ها همان مخدر سومار است که دارویی برای درمان بيماری خودآگاهی و اندیشه است زیرا که در جامعه به تصویر کشیده شده در این کتاب اندیشه بيماری و کتاب خواندن جرم است .

حاکمان واقعی صاحبان رسانه ها هستند ، چرا که قدرت رسانه از قدرت توپ و تانک بیشتر و موثر تر بوده و بر اعماق وجود انسان تاثیر می‌گذارد بدون اینکه هیچ اثری از خود باقی گذاشته و چهره زشتی داشته باشد .

پس هیچ رسانه ای اخلاقی نیست .

هیچ رسانه ای